



فصلنامه حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تاکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین رضا بهار فلاصری
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law

Sayyed Fazlollah Mousavi

Professor of Public International Law, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Amir Hossein Asgari

PhD Student in Public International Law, Alborz Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه

سیدفضل الله موسوی

استاد حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

fmousavi@ut.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0002-2249-5943>

امیرحسین عسگری

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران

asgariamir99@yahoo.com

<http://orcid.org/0000-0002-4121-2013>

Abstract

This study offers a structured analysis of environmental protection mechanisms under international human rights law and international humanitarian law. Employing a descriptive-analytical approach, the research reveals that while these two legal regimes share common foundations such as the protection of life and human dignity they apply distinct methods to safeguard the environment. International human rights law provides indirect protection by "greening" core rights, particularly the rights to life, health, and an adequate standard of living. Conversely, international humanitarian law articulates explicit legal norms that limit environmental harm during armed conflict, as reflected in the 1977 Additional Protocol I and other relevant conventions. The comparative assessment highlights the advantages and shortcomings of both systems: human rights law demonstrates adaptability in addressing emerging environmental issues, whereas humanitarian law imposes stricter standards for preventing intentional environmental destruction. Despite their differing scopes, both frameworks face similar implementation and monitoring challenges. The study ultimately argues that fostering convergence between these regimes and enhancing oversight mechanisms is crucial for developing a comprehensive international legal framework for environmental protection. It further recommends that binding legal obligations be strengthened to address growing environmental threats and fill current legal gaps in both peacetime and conflict settings.

Keywords: International Human Rights Law, Environmental Protection, International Humanitarian Law, Environmental Modification Convention, Armed Conflicts.

چکیده

این پژوهش با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت از محیط زیست در دو نظام حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه می پردازد. نتایج مطالعه نشان می دهد که اگرچه این دو نظام در مفاعیمی چون حق حیات و کرامت انسانی هم پوشانی دارند، اما در شیوه حمایت از محیط زیست مسیرهای متفاوتی را طی می کنند. حقوق بین الملل بشر با تفسیر سبب از حقوق بنیادین مانند حق حیات و سلامت، به صورت غیرمستقیم از محیط زیست حمایت می کند. در مقابل، حقوق بین الملل بشر دوستانه با بهره گیری از اسناد الزام آور نظیر پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ میلادی و کنوانسیون های مرتبط، قواعد مشخص تری برای حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه ارائه می دهد. نتایج این مطالعه نشان می دهند که هریک از این نظام ها به رغم مزایای خود، با محدودیت هایی مواجه اند و نیازمند تقویت تعامل و همکاری با یکدیگرند. در پایان، پژوهش پیشنهاد می کند که با توسعه سازوکارهای نظارتی و افزایش تعهدات الزام آور، می توان به سمت نظام جامع تری برای حمایت از محیط زیست در حقوق بین الملل گام برداشت.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل بشر، حفاظت از محیط زیست، حقوق بین الملل بشر دوستانه، کنوانسیون دستکاری محیط زیست، مخاصمات مسلحانه

ارجاع:

موسوی، سیدفضل الله؛ عسگری، امیرحسین؛ (۱۴۰۴)، بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

محیط زیست مفهومی گسترده دارد که در مواجهه با پدیده‌هایی چون جنگ، توجه حقوقدانان بین الملل را به خود جلب می‌کند. با آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین، نگرانی‌ها درباره تأثیرات زیست محیطی این مخاصمه افزایش یافت. یکی از مسائل مهم، نادیده گرفته شدن محیط زیست به عنوان قربانی خاموش جنگ‌های مدرن است. پرسش اساسی این است که آیا خسارات زیست محیطی را می‌توان نقض حقوق بنیادین بشر دانست؟ در این جنگ، اختلال در عرضه منابع طبیعی که برای رشد اقتصادی حیاتی هستند، مشهود است. همچنین، کمبود مواد غذایی و بحران احتمالی جهانی غذا با تبعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از پیامدهای زیست محیطی این درگیری به‌شمار می‌رود (Farrer, 2022).

آن چه که در این مخاصمه بیشتر دغدغه را بر می‌انگیزد، درجه بالای تهدیداتی است که از آلودگی شیمیایی و تشعشعی ناشی از مخاصمات بر می‌آید. تشعشعات نیروگاه‌های هسته‌ای، پالایشگاه‌ها و انبارهای ذخیره مواد خطرناک از جمله نیترات آمونیوم^۱ و فنل^۲ را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۳ در خلال جنگ روسیه

۱- نیترات آمونیوم (Ammonium Nitrate) ماده‌ای که برای نیتراته کردن خاک کشاورزی و تولید مواد منفجره کاربرد دارد. در چهارم اوت ۲۰۲۰ میلادی، در پی انفجار بندر بیروت در لبنان، پس از بررسی کارشناسان چنین گزارش شد که به دلیل ذخیره قریب به سه هزار تن نیترات آمونیوم در گمرک این بندر، این انفجار رخ داده است که موجب تخریب شدید منطقه اشریفه بیروت شد. شدت انفجار در این حادثه بیشتر از شدت انفجار هسته‌ای توسط کارشناسان آمریکایی قلمداد شده است. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

و اوکراین، تمرکز جامعه بین المللی در طول این محاصره معطوف به «نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا»^۴ شد. این نیروگاه یکی از نیروگاه‌های بزرگ در جهان و بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای در سطح اروپا است. درحالی که جامعه بین المللی^۵ نگران انفجار این نیروگاه در پی حملات ارتش روسیه بود، از نابودی «سد و نیروگاه برق آبی نوا کاخووکا»^۶ غافل ماند که آن هم در نوع خود آثار مخرب زیست محیطی را در بر داشته است (Tignino, Kebew and Pellaton, 2023).

بر اساس دیدگاه حقوقدانان معاصر، محیط زیست از جایگاه حقوقی ویژه و مستقل برخوردار است. حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان شاخه‌ای نوظهور از علم حقوق، مأموریت اصلی خود را در حمایت و صیانت از محیط زیست تعریف کرده است (موسوی، ۱۳۹۱، ۲۱). با وجود پذیرش تدریجی حقوق مستقل برای محیط زیست، این رویکرد از سوی برخی نظریه پردازان حقوقی با چالش مواجه شده است. چرا که به باور آنان، بسیاری از نظام‌های حقوقی سنتی که همچنان بر مبنای دیدگاه انسان محور شکل گرفته‌اند، طبیعت و حیوانات را نه به عنوان دارندگان حق، بلکه صرفاً به عنوان اشیاء یا منابع فاقد حقوق شناسایی کرده و بدین ترتیب زمینه سوء رفتار با عناصر طبیعی را فراهم آورده‌اند (Szpak, Bar and Kemp, 2024).

مسئله حقوق غیرانسان‌ها و محیط زیست از مباحث نوین در حقوق بین الملل و حقوق بشر است که بر پایه اصول عدالت و ارزش‌های بنیادین همچون حق حیات و آزادی شکل گرفته است. این موضوع نشان‌دهنده تکامل مفاهیم حقوقی در قبال موجودات غیرانسانی و محیط زیست، مشابه تغییر وضعیت تاریخی بردگان، زنان و کودکان است که روزگاری به عنوان اموال تلقی می‌شدند. چنین تحولانی ناشی از پذیرش حقوق بنیادین برای حفاظت از منافع اساسی انسان‌ها است که با گسترش به سایر موجودات و محیط زیست همراه شده است.

Gadzo, M. 5 August 2020, Dozens killed, thousands wounded in Beirut explosion: Live, Al-Jazeera. Retrieved from: <https://aje.io/2bp2b>, accessed January 1, 2025.

۲- فنل (Phenol) در صنعت فیبرهای فنولی مدار چاپی کاربرد قابل توجهی دارد. در تولید نایلون، شوینده‌ها، رنگ و سمومی مانند علف‌کش‌ها و قارچ‌کش‌ها فنل به عنوان ماده اولیه استفاده می‌شود. برای مطالعه بیشتر نک:

McGraw-Hill. 2004. McGraw-Hill Concise Encyclopedia of Chemistry. McGraw-Hill.

۳- Ministry of Ecology and Natural Resources of Ukraine, 2022

۴- Zaporizhzhia Nuclear Power Plant

۵- به ادعای دولت‌های عربی

۶- The Kakhovka Dam and Hydroelectric Power Plant

تلاش‌های فعالان حوزه محیط زیست، از جمله جمع‌آوری شواهد تجربی، پذیرش پرونده‌ها در دادگاه‌ها و ایجاد تغییر در کیفیت گفتمان حقوقی گامی مؤثر در این مسیر بوده است. بااین حال، هنوز حقوق محیط زیست عمدتاً در قوانین ملی برخی کشورها به رسمیت شناخته نشده و در چهارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر به صورت جامع و جهانی پذیرفته نشده است.

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی دو رویکرد حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قبال محیط زیست می‌پردازد. بحران اقلیمی کنونی که تهدیدی جدی برای بقای جوامع بشری و حتی نوع بشر به شمار می‌رود، اهمیت به کارگیری تمام ابزارهای حقوقی موجود برای حمایت از محیط زیست را دوچندان کرده است. در این راستا، پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از: کدام یک از این دو رویکرد حمایت بیشتری از محیط زیست ارائه می‌دهد؟ کدام یک به نظریه حقوق مستقل محیط زیست نزدیک‌تر است؟ و در کدام رویکرد، محیط زیست به دلیل ارزش ذاتی خود^۷ مورد حمایت قرار می‌گیرد؟

حقوق بین‌الملل بشر به‌طور مستقیم بر حمایت از حقوق فردی انسان‌ها تمرکز دارد. این نظام حقوقی بر حفاظت از محیط زیست به‌عنوان بخشی از حقوق بنیادین بشر، از جمله حق بر زندگی سالم و حق بر محیط زیست پاک، تأکید دارد. بااین حال، این حمایت‌ها عمدتاً به دلیل تأثیرات محیط زیست بر رفاه انسان‌ها است و کمتر به ارزش ذاتی محیط زیست توجه دارد. حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌طور خاص در شرایط مخاصمات مسلحانه به کار می‌رود و مقرراتی برای حفاظت از محیط‌زیست در چنین شرایطی دارد. بااین وجود، حمایت‌های ارائه‌شده بیشتر به دلیل تأثیرات مخاصمات بر جمعیت انسانی و پیامدهای زیست‌محیطی مخاصمات است و کمتر به حقوق محیط‌زیست به‌طور مستقل می‌پردازد.

۱- رویکرد حقوق بین‌الملل بشر

حق بر محیط زیست به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین انسانی در دهه‌های اخیر مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. این حق، برخلاف حقوق بشر کلاسیک، در زمان تدوین اسناد اولیه حقوق بشری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ میلادی و معاهدات بین‌المللی پس از آن، موضوعی شناخته‌شده نبود. در آن زمان، نگرانی‌های زیست‌محیطی هنوز به سطح بحران جهانی ارتقاء نیافته بود (عباسی، ۱۴۰۱، ۹۱). لذا

۷- و نه صرفاً ارزش برای انسان‌ها

بسیاری از اسناد بین المللی مرتبط با مسائل زیست محیطی، نظیر حفاظت از تنوع زیستی، آلودگی دریایی و دفع مواد خطرناک، اگرچه به حفاظت از محیط زیست می پردازند، اما حقوق مستقیمی را برای افراد ایجاد نمی کنند و از این جهت نمی توانند بخشی از حقوق بین الملل بشر محسوب شوند (موسوی، ۱۳۹۱، ۲۴).

پرتغال یکی از پیشگامان به رسمیت شناختن حق بر محیط زیست سالم بود و در سال ۱۹۷۶ میلادی این حق را به عنوان یک حق اساسی در قانون اساسی خود درج کرد. به دنبال این اقدام، بسیاری از کشورها این روند را دنبال کردند. طبق گزارش ناکس ۲۰۱۸ میلادی، تا سال ۲۰۱۸ میلادی، یکصد و پنجاه و پنج کشور حق بر محیط زیست سالم را به رسمیت شناختند و سی و شش کشور دیگر نیز حمایت خود را از این حق در اسناد غیرالزام آور اعلام کردند. این شناسایی حقوقی، شامل تعهدات الزام آور برای احترام، حمایت و اجرای این حق است.

در سطح منطقه ای، حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر در معاهدات مختلف به رسمیت شناخته شده است. به عنوان نمونه، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب ۱۹۸۱ میلادی در ماده ۲۴، حق بر محیط زیست رضایت بخش و مساعد برای توسعه را برای تمامی مردم تضمین می کند. همچنین، پروتکل حقوق زنان در آفریقا مصوب ۲۰۰۳ میلادی در ماده ۱۸ به طور ویژه بر حق زنان به زندگی در محیطی سالم و پایدار تأکید دارد. در دیگر اسناد بین المللی نظیر پروتکل سان سالوادور مصوب ۱۹۸۸ میلادی، منشور عربی حقوق بشر مصوب ۲۰۰۴ میلادی و اعلامیه حقوق بشر آسه آن مصوب ۲۰۱۲ میلادی نیز حق بر محیط زیست پاک، پایدار و سالم مطرح شده است. از سوی دیگر، کنوانسیون آرهوس مصوب ۱۹۹۸ میلادی دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، مشارکت عمومی و عدالت در تصمیم گیری های زیست محیطی را به عنوان اصولی بنیادین شناسایی کرده است.

با این حال، به رغم این تلاش ها، بسیاری از معاهدات منطقه ای، از جمله منشور عربی حقوق بشر، پروتکل سان سالوادور و اعلامیه آسه آن، فاقد ساز کارهای اجرایی و نظارتی قوی هستند که امکان تحقق عملی این حقوق را محدود می سازد. این کاستی ها، توانایی مقابله با نقض حق بر محیط زیست در سطح بین المللی را تضعیف کرده و نشان می دهد که تصویب معاهدات به تنهایی کافی نیست. تقویت سازوکارهای اجرایی و ایجاد تعهدات الزام آور از سوی دولت ها ضروری است تا حق بر محیط زیست

سالم به عنوان یکی از ارکان حقوق بشر به طور کامل محقق شود.

در حقوق بین الملل بشر، تاکنون هیچ حق مستقل و مستقیمی برای برخورداری از محیط زیست سالم به صراحت شناسایی نشده است. نه معاهدات بین المللی حقوق بشر و نه قواعد عرفی بین المللی، چنین حقی را تعریف نکرده اند و دیوان بین المللی دادگستری نیز آن را به رسمیت نشناخته است. با وجود مباحثات علمی مستمر درباره لزوم شناسایی این حق، تاکنون تحولی بنیادین در رویه قضایی بین المللی مشاهده نشده است. دیوان بین المللی دادگستری در برخی آراء به اهمیت حفاظت از محیط زیست اشاره کرده، اما این اشارات کلی و فاقد تعیین حق مشخصی برای افراد بشر بوده اند. در نظریه مشورتی سال ۱۹۹۶ میلادی درباره مشروعیت استفاده از سلاح های هسته ای، دیوان بین المللی دادگستری از «تعهد کلی» دولت ها برای احترام به محیط زیست فراتر از مرزهای ملی سخن گفت، اما این تعهد را بخشی از حقوق بین الملل محیط زیست دانست، نه حقوق بشر.^۸ همچنین در پرونده گابچیکو-ناگیماروس، قاضی ویرامانتری از «حق انسانی حفاظت از محیط زیست» یاد کرد، اما آن را حق مستقل ندانست و صرفاً آن را وابسته به تحقق سایر حقوق بشر نظیر سلامت و حیات دانست.^۹

با وجود آن که حقوق بین الملل بشر به دو شیوه اصلی به اهمیت حق بر محیط زیست توجه کرده است، این دو شیوه از منظر حقوقی دارای ویژگی های متفاوتی هستند. نخست، از طریق اسناد غیرالزام آور نظیر اعلامیه ها و ابزارهای مشابه که هرچند جامعه بین المللی را به پذیرش هنجارهای محیط زیستی تشویق می کنند، اما ایجاد تعهدات الزام آور برای دولت ها نمی کنند. دوم، از طریق استنتاج و استنباط حقوق و تعهدات زیست محیطی الزام آور از حقوق پیشین مندرج در معاهدات حقوق بشری. این رویکرد به اصطلاح «سبزگردانی»^{۱۰} حقوق بشر را شامل می شود که نه تنها ابعاد ماهوی بلکه شکلی حقوق بشر را در

۸- ICJ Reps., 1996: para. 29

۹- ICJ Report, 1997, paras. 90-92

۱۰- سبزگردانی (Greening) عبارت است از فرایندی که طی آن فضاها و محیط های انسان ساخت به محیط سازگار با محیط زیست تبدیل می شوند. به طور نمونه، کاشت گیاهان آپارتمانی و یا ایجاد فضای سبز در سازه های انسانی، روند تخریب محیط زیست و تولید کربن را کند می کند. از جمله خصوصیات این عمل، کاهش آلودگی محیط، کاهش اثر جزیره گرما و کاهش خطرات زیست محیطی است

بر می گیرد. با آن که ابزارهای غیرالزام آور تاکنون تأثیر محدودی داشته اند، رویکرد دوم موفق تر در ادغام اصول حفاظت از محیط زیست در چهارچوب حقوق بین الملل بشر بوده است.

۱-۱- حقوق نرم

در سطح بین المللی، مجموعه ای از اسناد «حقوق نرم» به حق برخورداری از محیط زیستی سالم یا حداقل با کیفیت مناسب برای حمایت از حیات اشاره دارند. یکی از نخستین و مهم ترین اسناد در این زمینه، ماده ۱ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ میلادی است که بر حق بنیادین انسان ها برای زندگی در محیطی با کیفیت مناسب برای کرامت و رفاه تأکید دارد. این سند همچنین مسئولیت نسل حاضر را در قبال حفاظت از محیط زیست برای نسل های آینده گوشزد می کند. با این حال، اعلامیه مذکور و سایر اسناد مشابه از شفافیت کافی برای شناسایی یک حق مستقل و الزام آور در این حوزه برخوردار نیستند و مسئولیتی مشخص نیز به فرد یا دولت معینی واگذار نشده است.^{۱۱}

اعلامیه های پس از استکهلم نیز همین ابهام را تکرار کردند. دولت ها، تحت فشار علمی و اجتماعی، اهمیت موضوع را پذیرفتند اما به منظور حفظ آزادی عمل در بهره برداری از منابع طبیعی، از پذیرش تعهدات الزام آور خودداری کردند. به عنوان نمونه، گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ میلادی به صراحت بر حق بنیادین همه انسان ها برای داشتن محیطی مناسب برای سلامت و رفاه تأکید کرد (Bruntland, 1987, 235)، اما این دیدگاه در اسناد متأخر پذیرفته نشد. در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ میلادی، به جای تأکید بر حق مستقل بر محیط زیست، حق حاکمیتی دولت ها در بهره برداری از منابع طبیعی برای اهداف توسعه ای مطرح شد و محیط زیست در جایگاهی تابع نسبت به توسعه قرار گرفت.^{۱۲} این جهت گیری نشان دهنده مقاومت دولت ها در برابر ارتقاء محیط زیست به سطح حقوق بنیادین بشر و تداوم رویکردی است که حفاظت از محیط زیست را به صورت فرعی و مشروط در نظر می گیرد.

«توسعه پایدار»^{۱۳} که به معنای دنبال کردن فعالیت های اقتصادی به گونه ای است که کمترین آسیب به محیط زیست وارد شود، به هدف اصلی بیشتر دولت ها تبدیل شد و نگرانی های زیست محیطی تحت

۱۱- A/Conf.48/14/Rev.1, 1972

۱۲- Rio Declaration on Environment and Development, 1992: principles 1, 2 and 3

۱۳- Sustainable Development

خواسته‌های توسعه اقتصادی قرار گرفت. در اعلامیه‌ها و مقدمه‌های معاهدات از سال ۱۹۹۲ میلادی به بعد، دولت‌ها به‌طور مبهم اهمیت حفاظت از محیط زیست را پذیرفتند، اما از اعطای حقوق خاصی که به شهروندان یا جنبش محیط زیست این امکان را بدهد که آن‌ها را به خاطر ناتوانی مداوم در اولویت‌بندی محیط زیست مورد مؤاخذه قرار دهند، خودداری کردند.

به تدریج که آسیب‌های ناشی از تخریب محیط زیست و «تغییرات اقلیمی»^{۱۴} بیشتر و بیشتر نمایان شد و اقلیت‌ها و جوامع بومی بیشترین آسیب را از این آسیب‌ها متحمل شدند، گفت‌وگو بین‌المللی در سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی به سمت بیان محکم‌تری از حق بر محیط زیست گرایش پیدا کرد. به عنوان مثال، در اعلامیه یزکایا در سال ۱۹۹۹ میلادی درباره حق بر محیط زیست که توسط سمینار بین‌المللی کارشناسان تحت نظارت «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد»^{۱۵} و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد صادر شد، اعلام گردید که هر فرد حق «بهره‌وری از محیطی سالم و زیست‌بوم متعادل» را دارد (UNESCO, 1999). همچنین در سال ۲۰۰۷ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تصویب اعلامیه حقوق مردم بومی، تأثیرات تخریب محیط زیست بر جوامع بومی را مورد شناسایی قرار داد و حق آن‌ها را در «حفاظت و نگهداری از محیط زیست» اعلام کرد.^{۱۶}

در مارس ۲۰۱۲ میلادی، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اولین کارشناس مستقل خود^{۱۷} را برای بررسی ارتباط حقوق بشر و محیط زیست منصوب کرد. مأموریت این کارشناس شامل بررسی مجموعه‌ای از اعلامیه‌ها، توافق‌نامه‌ها و سایر اسناد بین‌المللی بود تا مشخص کند که آیا تعهدات حقوق بشری صریحی در زمینه محیط زیست در حقوق بین‌الملل وجود دارد یا خیر؟ و در صورت وجود، ماهیت و ابعاد این تعهدات را روشن سازد.^{۱۸}

در گزارش مقدماتی خود، جان اچ. ناکس که از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ میلادی در این سمت خدمت می‌کرد، به صراحت بیان کرد که هیچ حق بشری مستقل برای محیط زیست سالم در سطح بین‌المللی

۱۴- Climate Change

۱۵- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization aka UNESCO

۱۶- UN Declaration of the Rights of Indigenous Peoples, 2007

۱۷- که بعدها گزارشگر ویژه شد

۱۸- United Nations Human Rights Council, 2012

وجود ندارد و به تعدادی از فرصت‌های از دست رفته برای شناسایی چنین حق مرتبطی توسط سازمان ملل متحد اشاره کرد از جمله حق پیشنهادی در اعلامیه ریودوژانیرو مصوب ۱۹۹۲ میلادی (Knox, 2018, paras. 14-16). ناکس در گزارش نهایی خود نتیجه گرفت که «شناسایی صریح حق بشری نسبت به محیط زیست سالم» برای تحقق و اجرای هنجارهای حقوق بشری در مسائل زیست‌محیطی «ضروری نیست»، زیرا به واسطه توسعه حقوق ملی و منطقه‌ای محیط زیست و نیز افزایش پرونده‌های دادرسی که با استناد به مفاهیم حقوق بشری به حمایت از محیط زیست می‌پردازند^{۱۹}، این حمایت‌ها به نحو قابل توجهی در عمل تحقق یافته است (Knox, 2018, para. 12).

ناکس در گزارش خود توصیه نمود که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد باید وجود حق مستقل برای محیط زیست سالم را در یک سند جهانی به رسمیت بشناسد، زیرا چنین شناختی موجب افزایش آگاهی می‌شود که هنجارهای حقوق بشری نیازمند حفاظت از محیط زیست هستند و نشان می‌دهد که حفاظت از محیط زیست به همان اندازه که سایر منافع بشری مانند کرامت، برابری و آزادی اساسی هستند، اهمیت دارد. این اقدام همچنین کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که هنجارهای حقوق بشری مرتبط با محیط زیست به شکلی هماهنگ و یکپارچه توسعه یابند (Knox, 2018, paras. 14-16).

این توصیه در نهایت به واقعیت پیوست. در تاریخ هشتم اکتبر ۲۰۲۱ میلادی، شورای حقوق بشر با تصویب قطعنامه شماره ۴۸/۱۳، دسترسی به محیط زیست پاک، سالم و پایدار را به عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخت و چهل و سه رأی موافق و چهار رأی ممتنع به این قطعنامه دادند.^{۲۰} این امر برای اولین بار بود که یک حق جهانی به این شکل به طور صریح توسط یک نهاد حقوق بشری بین‌المللی به رسمیت شناخته شد و به گزارش‌ها، تصویب این قطعنامه با استقبال و دست‌زدن در جلسه شورای حقوق بشر همراه شد. با این حال، این استقبال به نوعی عجولانه بود اگرچه زبان واضح آن قطعاً یک پیشرفت مطلوب است، ارزیابی تأثیر واقعی این قطعنامه، به ویژه نقش آن در توسعه دادرسی‌های زیست‌محیطی موجود، همچنان دشوار است، چرا که همچنان فقط یک ابزار «حقوق نرم» غیرالزام‌آور است.

۱۹- روند موسوم به «سبزگردانی حقوق بشر»

۲۰- UNHRC Res. 48/13, The human right to a clean, healthy and sustainable environment, 2021

ناکس، در مقاله خود تحت عنوان «تشکیل حقوق بشر برای محیط زیست سالم»^{۲۱} در سال ۲۰۲۰ میلادی فهرست مزایای احتمالی را در پرتو نسل سوم حقوق بشر^{۲۲} بررسی می‌کند که مشتمل است بر اول- برجسته کردن اهمیت محیط زیست برای حقوق بشر^{۲۳}، دوم- استفاده از هنجارهای حقوق بشری برای پر کردن شکاف‌های موجود در حقوق بین‌الملل محیط زیست، به‌ویژه نادیده‌گیری آسیب‌های داخلی، تقویت مبانی حقوقی برای اجرای بین‌المللی و سوم- بهبود عملکرد زیست‌محیطی در سطح کشورها، از طریق تشویق کشورهای بیشتر به گنجاندن حق بر محیط زیست در قانون اساسی خود و این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند که در دادگاه‌های محلی خود درخواست جبران خسارت کنند (Knox, 2020). در سال ۲۰۲۲ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد که یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که «حق بشری بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار» را به رسمیت شناخت و تصریح کرد تا به چه میزان این پیش‌بینی‌های امیدوارکننده در عمل تحقق یابد (Konrad Adnauer Stiftung, 2024).

۲-۱- سبزگردانی از منظر حقوق بشر

با توجه به فقدان تقریباً کامل ارجاع به حق بر محیط زیست در معاهدات حقوق بین‌الملل بشر، ادغام اصول زیست‌محیطی در دادرسی‌های حقوق بین‌الملل بشر از مسیر غیرمستقیم‌تری صورت گرفته است که عمدتاً از طریق سبزگردانی حقوق موجود رخ داده است (Knox, 2020). این رویکرد به معنای آن است که دادگاه‌های حقوق بشر به تدریج درک کرده‌اند که تخریب محیط زیست می‌تواند تأثیرات منفی بر تحقق حقوق بین‌الملل بشر داشته باشد و به این ترتیب، می‌تواند به نقض این حقوق منجر شود. با توجه به این که تمام حقوق بشر به نحوی به وجود محیطی پشتیبان برای تحقق خود وابسته‌اند، شاکیان موفقیت‌های زیادی در اثبات این موضوع داشته‌اند که آسیب‌های زیست‌محیطی مانع بهره‌مندی کامل از طیف وسیعی از حقوق بشر می‌شود و دولت‌ها در حفاظت از این حقوق کوتاهی کرده‌اند.

۲۱- Constructing the human right to a healthy environment

۲۲- حقوق همبستگی

۲۳- تأکید بر این که گفتمان حقوق «بر مسائل زیست‌محیطی نیز اعمال می‌شود» و اعطای مشروعیت اخلاقی به این مسائل تا چه حد اهمیت دارد

دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین المللی حقوق بشر قاره امریکا هر دو در توسعه دادرسی های مرتبط با این موضوع نقش داشته اند. به عنوان مثال، در اولین پرونده از دیوان اروپایی حقوق بشر که در آن رویکرد سبزرگدانی مشاهده می شود، پرونده لوپز اوسترا علیه دولت اسپانیا در سال ۱۹۹۴ میلادی مطرح شد.^{۲۴} در این پرونده، دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که آلودگی محیط زیست که تهدید جدی برای سلامت نداشته باشد، می تواند همچنان نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۲۵} محسوب شود به ویژه زمانی که تأییراتی بر رفاه شخص و بهره وری وی از اقامتگاهش داشته باشد تا جایی که بر زندگی خصوصی و خانوادگی وی تأثیر منفی بگذارد.

در پرونده های بعدی، دیوان اروپایی حقوق بشر تعدادی از وظایف مهم را از ماده ۸ استخراج کرد، از جمله الزام دولت ها به ارزیابی آثار زیست محیطی فعالیت های پیشنهادی، انتشار اطلاعات زیست محیطی^{۲۶} و فراهم آوردن دسترسی به راه حل های قضائی^{۲۷، ۲۸} همچنین در قضیه اونر ییلدیز علیه دولت ترکیه در سال ۲۰۰۴ میلادی، دیوان اروپایی حقوق بشر به مسئله حق حیات^{۲۹} اشاره داشته است و وفق ماده ۲ کنوانسیون اخیرالذکر، دیوان تأکید کرد که دولت ملزم به ایجاد چهارچوب های حقوقی و قانونی برای «برداشتن گام های مناسب» جهت حفظ جان افراد است. در رأی مذکور، دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید کرد تا برای نیل به هدف ذکر شده در ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۳۰}، دولت تعهد و وظیفه حفظ جان افراد را دارد.^{۳۱}

در دیوان بین المللی حقوق بشر قاره امریکا تمرکز این نهاد قضایی منطقه ای متمرکز بر حقوق مردمان بومی بوده است؛ بنابراین، دیوان تمهیدات سخت گیرانه ای را درباره فعالیت های دولت های امریکایی

۲۴- López Ostra v Spain, No. 16798/90, Eur.Ct.H.R., 1994

۲۵- که درباره حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی است

۲۶- حق دسترسی به اطلاعات

۲۷- حق دادرسی عادلانه و منصفانه

۲۸- Moreno Gómez v Spain, 4143/02, Eur.Ct.H.R., 2004; see also: Taskin v Turkey, No.46117/99, Eur.Ct.H.R., 2004; Fadeyeva v Russia, No. 55723/00, Eur.Ct.H.R., 2005

۲۹- یا حق زندگی

۳۰- حق حیات

۳۱- Öneriyildiz v Turkey, No. 48939/99, Eur.Ct.H.R.

درباره اراضی و منابع بومی پیش‌بینی کرده است. رازینی پیش از هر گونه اقدام دولتی درباره اراضی و منابع بومیان از جمله تعهدات و الزامات دولت‌ها است. اما از سویی دیگر بنا به آسیب‌دیده بودن جامعه بومیان و وجود پدیده فقر، دیوان بین‌المللی حقوق بشر قاره امریکا مسئله ارتشاء و از سویی دیگر ارباب و اجبار مردمان بومی را نیز پیش‌بینی نموده است و رازینی‌ها را عاری از رشوه و ارباب دانسته است.

چنین فرایندی را در رأی مردم ساراماکا علیه سورینام در سال ۲۰۰۷ میلادی، می‌توان مشاهده کرد. در رأی مذکور، چنین تعیین شد که «دولت وظیفه دارد بر اساس آداب و سنت‌های مردم بومی... و با حسن نیت باشد...».^{۳۲} مقصود از «حسن نیت»^{۳۳}، یعنی همان فقدان ارتشاء و اجبار که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد. رویه دیوان بین‌المللی حقوق بشر قاره امریکا، حق بهره‌مندی از دارایی‌ها را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که اصول مربوط به «حفاظت از اشکال سنتی مالکیت، بقای فرهنگی و حق بر [مالکیت] زمین، سرزمین و منابع» را نیز شامل می‌شود.^{۳۴} بنابراین، مطابق ماده ۲۱ کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر و رویه قضایی دیوان بین‌المللی حقوق بشر، مردمان بومی جواز اعمال حقوق جمعی خود را در قلمروهای سنتی و تاریخی که فاقد عنوان رسمی هستند را دارند.^{۳۵}

توسعه نسبی و پیشرفته رویه‌های حقوقی مرتبط با سبزرگردانی در مراجع قضایی منطقه‌ای هنوز به سطح متعارف رویه‌های حقوقی در سطح بین‌المللی نرسیده است. ناکس در مقاله خد در سال ۲۰۲۰ میلادی به این نکته اشاره می‌کند که تا کنون تنها یک پرونده مرتبط توسط یک «نهاد معاهده‌ای بین‌المللی»^{۳۶} مورد رسیدگی قرار گرفته است. کمیته حقوق بشر در پرونده پورتیو کاسرس و دیگران علیه پاراگوئه، برای نخستین بار اعلام کرد که حق حیات، مطابق با ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در زمانی نقض گردیده است که دولت پاراگوئه از تأمین حفاظت افراد در برابر آسیب و مرگ ناشی از سم‌پاشی مواد شیمیایی سمی در مزارع کشاورزی ناتوان بوده است. این کمیته همچنین تصریح کرده که دولت ملزم

۳۲- Saramaka People v Suriname, No. 686288, 2007

۳۳- Bona Fide

۳۴- Maya Indigenous Community of the Toledo District v Belize, 12 October 2004, No. 686305, 2004

۳۵- Mayagna (Sumo) Awas Tingni Community v Nicaragua, 2001

۳۶- International Treaty Body

به تحقیق و مجازات مسئولان، ارائه جبران کامل به قربانیان و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از نقض‌های مشابه در آینده می‌باشد.^{۳۷}

از دو ادعای دیگری که ناکس در زمان نگارش پژوهش خود به آن‌ها اشاره کرده، یکی از آن‌ها در حال حاضر رد شده است. در تاریخ هشتم اکتبر ۲۰۲۱ میلادی، کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد درخواست گروهی از فعالان محیط زیست، از جمله گر تا تونبرگ، را که علیه چندین کشور به دلیل قصور در پیشگیری و کاهش آثار تغییرات اقلیمی مطرح شده بود^{۳۸}، به دلایل رویه‌ای رد کرد. این کمیته اعلام کرد که شاکیان پیش از طرح شکایت در سطح بین‌المللی، به‌طور کامل از راهکارهای جبرانی موجود در سطح ملی استفاده نکرده بودند؛ موضوعی که یکی از شرایط اساسی برای پذیرش دعاوی در نظام حقوق بشر بین‌المللی به شمار می‌آید. همچنین، تصمیم‌گیری درباره شکایت ارائه شده توسط «ساکنان جزایر تنگه تورس» علیه استرالیا در کمیته حقوق بشر همچنان در حال انتظار است.

با وجود این خلاء ظاهری در رویه‌های حقوقی بین‌المللی، سبزگردانی حقوق بشر در سطح بین‌المللی به‌طور نسبی به‌خوبی تثبیت شده است. این امر به‌ویژه به دلیل ارتباطات متعدد میان تخریب محیط‌زیست و تأثیر آن بر حقوق بشر خاص که در نظرات عمومی و گزارش‌های کارشناسان مستقل و گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر بیان شده، می‌باشد (Knox, 2020). با توجه به همسویی گسترده نظرات کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل متحد و رویه‌های محاکم منطقه‌ای حقوق بشر، دشوار است که با موضع اتخاذ شده توسط گزارشگر ویژه سابق حقوق بشر و محیط‌زیست مخالفت کرد؛ به‌طوری که او اذعان داشت که تعهدات حقوق بشر مرتبط با محیط‌زیست به‌طور مؤثری در دامنه حقوق، چه ماهوی و چه رویه‌ای، شامل معاهدات بین‌المللی الزام‌آور قرار دارد. بر اساس بررسی او از منابع جهانی و منطقه‌ای، این گزارشگر چهارچوبی متشکل از شانزده اصل را ارائه داد که به‌طور کلی تعهدات موجود دولت‌ها در زمینه حقوق بشر و محیط‌زیست را در حقوق بین‌الملل خلاصه می‌کند. رویه‌های بین‌المللی موجود نیز تاکنون با این ارزیابی هم‌راستا بوده است. در پرونده پورتیو کاسرس علیه پاراگوئه، کمیته با استناد به نظرات عمومی خود، به

۳۷- Portillo Cáceres and Others v. Paraguay, CCPR/C/126/D/2751/2016, Communication 2751/2016

۳۸- Sacchi et al. v. Argentina et al., CRC/C/88/D/104/2019

وضوح بیان کرد که تعهد دولت‌ها برای حفاظت از حق حیات شامل اتخاذ تمامی تدابیر مناسب برای مقابله با شرایطی است که ممکن است این حق را تهدید کند.^{۳۹}

۲- رویکرد حقوق بین الملل بشردوستانه

حقوق بین الملل بشردوستانه که به عنوان حقوق در خلال درگیری‌های مسلحانه شناسایی شده است، در دو نوع درگیری‌های مسلحانه بین المللی و غیربین المللی کاربرد دارد. این شاخه از حقوق به منظور تنظیم نحوه اجرای مقررات و قواعد مخاصمات مسلحانه و همچنین حمایت از حقوق افرادی که در درگیری‌های مسلحانه درگیر هستند، اعم از نظامی و غیرنظامی، تدوین شده است (عسگری، ۱۴۰۲، ۲). هدف اصلی حقوق بین الملل بشردوستانه، تضمین حفاظت از غیرنظامیان و کاهش رنج و آسیب به آنان در زمان جنگ است.

روش‌های جنگ مدرن علاوه بر ایجاد مرگ و رنج انسانی، تخریب منازل و آواره‌سازی جمعیت‌ها، می‌تواند خسارات جدی و پایدار به محیط زیست وارد کنند. این اثرات مخرب محیط زیستی، به‌ویژه به دلیل توانایی گسترش فراتر از منطقه جنگی و تأثیرات منفی بلندمدت بر زندگی و معیشت جمعیت‌های ساکن در مناطق آسیب‌دیده حتی پس از پایان درگیری‌های مسلحانه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. به تبع این موضوع، حقوق بشر افراد تحت تأثیر این خسارات محیط زیستی نیز ممکن است به‌طور جدی به‌خطر افتد.

منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲ میلادی تأکید دارد که «طبیعت باید در برابر تخریب ناشی از جنگ با سایر فعالیت‌های خصمانه محافظت شود». این اصل بیانگر توجه جامعه بین‌المللی به ضرورت حفاظت از محیط زیست حتی در شرایط جنگی است. بر اساس قواعد کلی حقوق بین الملل بشردوستانه، استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی که هدف شان وارد کردن خسارات گسترده، طولانی مدت و جدی به محیط زیست است یا می‌توان پیش‌بینی کرد که چنین خساراتی را به‌بار آورند، جنایت جنگی محسوب می‌شود. برای درک بهتر جنبه‌های حقوقی، لازم به ذکر است که در سال ۱۹۹۴ میلادی نخستین مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ منتشر شد که خلاصه‌ای از قواعد موجود بین‌المللی درباره حفاظت از محیط زیست طبیعی در زمان مخاصمات مسلحانه را ارائه می‌کرد. این دستورالعمل‌ها، گامی مهم در جهت نظام‌مند کردن اصول مربوط به حفاظت از محیط زیست در چهارچوب حقوق

^{۳۹}- Human Rights Committee, Comm. No.2751/2016, Portillo Cáceres v Paraguay, UN Doc CCPR/C/126/D/2751/2016 at para 7.3

بین الملل بشردوستانه بودند.^{۴۰}

تحلیل قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه نشان می دهد که با وجود تصریح این اصول بر ممنوعیت وارد ساختن خسارات جدی به محیط زیست، اجرای آن ها با موانعی جدی روبرو است. یکی از چالش ها، تعیین معیارهای دقیق برای گستردگی، شدت و دوام خسارات زیست محیطی است تا بتوان آن ها را مشمول ممنوعیت های حقوقی دانست. همچنین، فقدان سازوکارهای مؤثر برای الزام دولت ها و گروه های درگیر به رعایت این اصول، موجب کاهش کارایی این قواعد شده است. ازسوی دیگر، حقوق بین الملل بشردوستانه میان مخاصمات بین المللی و غیربین المللی تفاوت قائل است و این تمایز، در عمل اجرای مؤثر حمایت های زیست محیطی را دشوار می سازد؛ به ویژه آن که بخش زیادی از این قواعد برای جنگ های بین دولت ها تدوین شده اند، درحالی که بیشتر درگیری های کنونی ماهیتی داخلی دارند.

مطابق اصول حقوق بین الملل بشردوستانه، حملات به اهداف نظامی مشروع باید تأثیرات آن بر محیط زیست را مدنظر قرار داده و تناسب میان خسارات وارده و منافع نظامی را ارزیابی کنند. همان طور که دیوان بین المللی دادگستری در نظر مشورتی سال ۱۹۹۶ میلادی خود درباره مشروعیت استفاده یا تهدید به استفاده از تسلیحات هسته ای بیان کرده است.^{۴۱} حتی در غیاب خسارات غیرنظامی، حمله ای که موجب آسیب شدید به محیط زیست شود ممکن است غیرقانونی تلقی گردد. در این زمینه، دو سند بین المللی از اهمیت ویژه ای برخوردارند: کنوانسیون منع استفاده نظامی یا هرگونه کاربرد خصمانه از تکنیک های دستکاری محیط زیست^{۴۲} مصوب ۱۹۷۶ میلادی موسوم به انمود^{۴۳} و پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ میلادی به کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ میلادی که به حفاظت از قربانیان مخاصمات بین المللی می پردازد، به ویژه بند سوم ماده ۳۵ و بند اول ماده ۵۵ این پروتکل. این معاهدات قواعدی را برای حفاظت گسترده تر از محیط زیست طبیعی ارائه می کنند.

۴۰- ICRC, 2020; see also: Bothe et al, 2010

۴۱- ICJ, 1996: paras. 30 and 42

۴۲- زین پس کنوانسیون دستکاری محیط زیست

۴۳- ENMOD

۲-۱- کنوانسیون دستکاری محیط زیست

کنوانسیون دستکاری محیط زیست در ماده ۱ بیان می‌کند: «هر دولت عضو این کنوانسیون تعهد می‌کند که از استفاده نظامی یا دیگر استفاده‌های خصمانه از تکنیک‌های اصلاح محیط زیست که اثرات گسترده، طولانی‌مدت یا شدید داشته و به‌عنوان ابزار تخریب، آسیب یا صدمه به دیگر دولت‌های عضو به کار می‌روند، خودداری کند. همچنین، هر دولت عضو متعهد می‌شود که از کمک، تشویق یا تحریک دیگر دولت‌ها، گروه‌های دولتی یا سازمان‌های بین‌المللی برای انجام فعالیت‌های مغایر با بند اول این ماده خودداری نماید». ماده ۲ توضیح می‌دهد که منظور از «تکنیک‌های اصلاح محیط زیست»، اقداماتی است که با هدایت عمدی فرایندهای طبیعی، به تغییر دینامیک، ترکیب یا ساختار زمین، از جمله زیست‌کره، سنگ‌کره^{۴۴}، آب‌کره، جو و فضای بیرونی می‌پردازند.

اقدامات تأثیرگذار بر محیط زیست شامل نقض تعادل زیست‌محیطی منطقه و همچنین ایجاد زمین‌لرزه یا سونامی، تغییرات در آب‌وهوا، الگوهای اقلیمی، جریان‌های اقیانوسی، لایه اوزون و یونسفر است (Dinstein, 2004, 178). مثال‌هایی از این روش‌ها شامل «بارورسازی ابرها برای تولید باران و سیل که توسط نیروهای امریکایی در ویتنام انجام شد، یا انفجار رآکتور هسته‌ای در اقیانوس برای هدایت سونامی به سمت دشمن» است (Hulme, 2007, 235).

اما بر اساس کنوانسیون دستکاری محیط زیست، تمامی استفاده‌های این روش‌ها ممنوع نیست، چرا که ماده‌های ۱ و ۲ شرایط خاصی برای ممنوعیت تعیین کرده‌اند که ذیلاً به آن‌ها پرداخته می‌شود. اول- تنها استفاده از این تکنیک‌ها برای مقاصد نظامی یا خصمانه ممنوع است، فارغ از اینکه هدف، تدافعی یا تهاجمی باشد. مطابق ماده ۳، این کنوانسیون مانع از استفاده صلح‌آمیز از تکنیک‌های اصلاح محیط زیست نمی‌شود. دوم- فعالیت ممنوع باید شامل دستکاری فرایندهای طبیعی محیط باشد؛ یعنی محیط به‌عنوان ابزاری برای تخریب به کار گرفته شود. سوم- رفتار ممنوع باید عمدی باشد؛ به این معنا که تخریب محیط زیست هدف مستقیم باشد و نه یک خسارت جانبی در حمله به هدفی دیگر. به‌عنوان مثال، حمله به کارخانه مواد شیمیایی که باعث آلودگی هوا شود، تحت کنوانسیون دستکاری محیط زیست قرار نمی‌گیرد. چهارم- رفتار ممنوع باید دارای اثرات گسترده، طولانی‌مدت یا شدید باشد؛ در غیر این صورت، حتی استفاده نظامی یا خصمانه از این

تکنیک‌ها ممنوع نیست. پنجم- برای آن که رفتاری ممنوع تلقی شود، باید منجر به تخریب یا آسیب به محیط زیست شود که ناشی از دستکاری عمدی در فرایندهای طبیعی باشد، هر چند پیامدهای ناخواسته نیز ممکن است رخ دهد. ششم- آسیب وارد شده باید متوجه محیط زیست یک دولت عضو کنوانسیون باشد و چنانچه تخریب صرفاً در قلمرو دولت مسبب یا دولت غیرعضو یا مناطق خارج از صلاحیت دولت‌ها رخ دهد، مشمول کنوانسیون نخواهد بود. هفتم- کنوانسیون دستکاری محیط زیست تنها برای دولت‌های عضو قابل اعمال است. به عقیده برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی این معاهده جنبه نوآورانه داشته و بازتاب قواعد عرفی حقوق بین‌الملل نیست (Dinstein, 2004, 179).

با توجه به شرایط ذکر شده، استفاده از تکنیک‌های مذکور در بسیاری از موارد لزوماً به تخریب یا آسیب به محیط زیست منجر نمی‌شود؛ بنابراین، کنوانسیون دستکاری محیط زیست عمدتاً به عنوان ابزاری برای جلوگیری از توسعه ابزارهای جدید جنگی که از نیروهای محیط زیستی استفاده می‌کنند، طراحی شده است (Hulme, 2007, 235). به نظر می‌رسد که این کنوانسیون بر وقوع حوادث چشمگیری مانند زلزله‌های مصنوعی تمرکز دارد، درحالی که تکنیک‌های کم‌نمایان‌تر اصلاح محیط زیست که احتمالاً در درگیری‌های مسلحانه مدرن بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند^{۴۵}، به طور کامل ممنوع نشده‌اند (Wyatt, 2010).

همان‌طور که مایکل بوت و همکارانش در سال ۲۰۱۰ میلادی اشاره کرده‌اند، مذاکره‌کنندگان این کنوانسیون تصور نمی‌کردند که این مقررات استفاده از جنگ‌های متعارف را به شدت محدود کند. باین‌حال، این رویکرد ممکن است زمینه‌ای برای گسترش دامنه کنوانسیون به پوشش جنگ‌های شیمیایی و بیولوژیکی فراهم کرده باشد (Bothe, 2010). از این رو، اگر چه این کنوانسیون در مقابله با برخی از تهدیدات محیط زیستی مؤثر بوده است، اما محدودیت‌هایی نیز در پوشش همه‌جانبه تکنیک‌های مخرب محیط زیست دارد.

۲-۲- پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ میلادی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ میلادی

در زمینه روش‌ها و ابزارهای انجام عملیات نظامی، بند سوم ماده ۳۵ پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ میلادی مقرر می‌دارد که «استفاده از روش‌ها یا ابزارهای جنگی که به قصد، یا احتمالاً به دلیل منطقی، موجب خسارت

۴۵- مانند بارورسازی راهبردی ایرها

گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط زیست طبیعی شوند، ممنوع است». این ماده، اولین مورد در حقوق بین الملل بشردوستانه است که به طور مستقیم بر حفاظت از محیط زیست در برابر آسیب های عمدی و جانبی تمرکز دارد. اهمیت این ماده در گنجاندن خسارت های غیر عمدی اما قابل پیش بینی نهفته است.^{۴۶}

از سوی دیگر، بند اول ماده ۵۵ پروتکل ۱۹۷۷ میلادی به طور خاص به حفاظت از محیط زیست طبیعی می پردازد و اشعار می دارد که «در جنگ باید اقدامات لازم برای حفاظت از محیط زیست طبیعی در برابر خسارت گسترده، طولانی مدت و شدید انجام شود. این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش ها یا ابزارهای جنگی است که احتمالاً موجب چنین خسارتی به محیط زیست طبیعی شده و در نتیجه سلامت یا بقای جمعیت را به خطر اندازد». افزون بر این، هر گونه حمله به محیط زیست به عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع اعلام شده است.

بند اول ماده ۵۵ پروتکل الحاقی نخست، با افزودن عبارت «در نتیجه»^{۴۷}، به نظر می رسد که حفاظت از محیط زیست را محدود می کند، به این معنا که محیط زیست طبیعی تنها در صورتی تحت حفاظت قرار می گیرد که تخریب آن بتواند سلامت یا بقای جمعیت را تهدید کند. این ماده بازتاب دهنده یک مصالحه میان دیدگاه هایی است که حفاظت از محیط زیست را به عنوان هدفی مستقل می نگرند و دیدگاه هایی که این حفاظت را تنها به منظور تضمین بقای انسان ضروری می دانند. با این حال، بهترین تفسیر از این ماده آن است که وارد کردن خسارت زیست محیطی نه تنها ممنوع است، بلکه بخشی از ممنوعیت گسترده تر استفاده از روش ها یا ابزارهای جنگی به شمار می آیند که موجب خسارات گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط زیست می شوند (Dinstein, 2004, 182). هر دو ماده بر منع استفاده از ابزارهای جنگی تأکید دارند که منجر به «خسارات گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط زیست طبیعی» می شوند. دامنه این مقررات، حداقل در نگاه اول، به نظر می رسد که گسترده و جامع باشد.^{۴۸}

۲-۳- مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی

۱-۲-۳- به موجب کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ میلادی

۴۶- The Environment and International Humanitarian Law, 2020

۴۷- Thereby

۴۸- The Environment and International Humanitarian Law, 2020

بر اساس ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ میلادی، «مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی»^{۴۹} به مخاصماتی اطلاق می‌شود که در آن‌ها یک یا چند گروه مسلح غیردولتی درگیر باشند. این مخاصمات ممکن است، بسته به شرایط، میان نیروهای مسلح دولتی و گروه‌های مسلح غیردولتی یا میان خود این گروه‌ها رخ دهند. با توجه به پذیرش جهانی چهار کنوانسیون ژنو، الزام وقوع مخاصمه در قلمرو یکی از دولت‌های عضو دیگر در عمل اهمیت چندانی ندارد، زیرا هر گونه مخاصمه مسلحانه میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح یا میان گروه‌های مسلح تنها می‌تواند در قلمرو یکی از دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها صورت گیرد (Abi-Saab, 1987).

برای شناسایی چنین مخاصماتی به عنوان مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، دو شرط اساسی وجود دارد: میزان شدت درگیری‌ها باید به حداقلی برسد که، به عنوان نمونه، مستلزم استفاده دولت از نیروهای نظامی به جای نیروهای پلیس باشد و گروه‌های غیردولتی درگیر باید به عنوان طرف‌های مخاصمه شناخته شوند، به این معنا که دارای نیروهای مسلح سازمان‌یافته باشند. این سازمان‌یافتگی شامل ساختار فرماندهی و توانایی اجرای عملیات نظامی مستمر است.

۲-۲-۳- به موجب پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ میلادی

پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون ژنو با توسعه و تکمیل ماده ۳ مشترک، شرط کنترل سرزمینی را معرفی کرده است. این پروتکل مقرر می‌دارد که طرف‌های غیردولتی باید بر سرزمینی تسلط داشته باشند که امکان اجرای عملیات نظامی مداوم و هماهنگ و نیز اجرای مفاد این پروتکل را فراهم کند. برخلاف ماده ۳ مشترک، این پروتکل تنها در مورد مخاصمات مسلحانه میان نیروهای مسلح دولتی و نیروهای مسلح مخالف یا سایر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته کاربرد دارد و شامل مخاصماتی که تنها میان گروه‌های مسلح غیردولتی رخ می‌دهند، نمی‌شود.

۳-۲-۳- به موجب پروتکل سوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ میلادی

پروتکل سوم کنوانسیون سلاح‌های متعارف ۱۹۸۰ میلادی درباره تسلیحات آتش‌زا به‌طور مستقیم به حمایت از محیط زیست پرداخته و استفاده از این تسلیحات علیه جنگل‌ها و پوشش گیاهی را ممنوع کرده

^{۴۹}- Non-International Armed Conflict (s) aka NIAC

است، مگر این که این مناطق به عنوان پوشش یا استتار برای نیروهای جنگی و اهداف نظامی استفاده شوند که در این صورت، حمله به آن‌ها مجاز است. این پروتکل عمدتاً واکنشی به اقدامات نظامی ایالات متحده آمریکا در جنگ ویتنام بوده است. طبق برآوردها، نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا بیش از یکصد هزار تن بمب ناپالم^{۵۰} در ویتنام استفاده کردند. این اقدامات بخشی از استراتژی تخریب بود که شامل بمباران‌های آتش‌زا، نابودی مزارع برنج، نابودی جنگل‌ها و مراتع و تخریب گسترده مناطق با استفاده از تجهیزات سنگین و مواد منفجره بود. این جنگ‌افزارهای زیست‌محیطی موجب نابودی ده‌ها هزار کیلومتر مربع از زمین‌های کشاورزی و پوشش‌های گیاهی شد، اما در نهایت، به دلیل شرایط اقلیمی مرطوب مناطق استوایی، تأثیر کمتر از حد انتظار داشت (Dam de-Jong, 2015).

۴-۲-۳- به موجب کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ میلادی

کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ میلادی استفاده از علف‌کش‌ها را ممنوع کرده است. اگرچه علف‌کش‌ها به عنوان تسلیحات شیمیایی طبقه‌بندی نمی‌شوند، اما پیش‌گفتار این کنوانسیون تأکید دارد که استفاده از آن‌ها تحت معاهدات جاری ممنوع است، هرچند مشخص نشده که کدام معاهدات این ممنوعیت را شامل می‌شوند. به نظر می‌رسد در زمان نگارش کنوانسیون، این ممنوعیت به کنوانسیون دستکاری محیط زیست و پروتکل الحاقی نخست اشاره داشته باشد. امروزه این ممنوعیت به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی منعکس شده است، زیرا علف‌کش‌ها می‌توانند به محیط زیست آسیب برسانند (Dinstein, 2004, 188).

این دو معاهده از آن‌جا که در هر دو نوع مخاصمه مسلحانه، بین‌المللی و غیربین‌المللی، قابل اجرا هستند، اهمیت ویژه‌ای در حقوق بشردوستانه بین‌المللی دارند. در مخاصمات بین‌المللی، این معاهدات

۵۰- ناپالم (Napalm) نوعی ماده آتش‌زا است که سلاح ساخته شده آن به عنوان بمب ناپالم شناخته شده است. ناپالم از مشتقات نفت و بنزین است که در صورت برخورد بمب آن به هدف ماده‌ای ژلاتینی تولید می‌کند و با حرارت بالا می‌سوزد. در خلال جنگ جهانی دوم و در عملیات آزادسازی جزیره سیسیل از ماده ناپالم در شعله‌افکن‌های نیروهای آمریکایی از ناپالم استفاده می‌شد. همچنین در جنگ ایالات متحده آمریکا علیه ژاپن نیز در اواخر جنگ جهانی دوم از این سلاح مرگبار استفاده می‌شد. از نمونه‌های دیگر استفاده از سلاح‌های حامل ناپالم می‌توان به جنگ کره، جنگ داخلی یونان، کشتار ماتسه و جنگ مرزی جنوب آفریقا اشاره کرد. گمان زده شده است که در خلال درگیری نیروهای نظامی ترکیه در عملیات شاخه زیتون واقع در شهر عفرین سوریه در سال ۲۰۱۸ میلادی نیز علیه شبه‌نظامیان کرد از این سلاح ممنوعه استفاده شده است. برای مطالعه بیشتر رک:.

تلاش می کنند تا میان منافع نظامی و حمایت از محیط زیست تعادل ایجاد کنند، چرا که محیط زیست به عنوان یک دارایی مشترک بشری به شدت آسیب پذیر است. در مخاصمات غیر بین المللی، به رغم محدودیت های بیشتر در نظارت و اجرای مقررات بین المللی، این معاهدات به عنوان ابزاری پیشگیرانه و الزام آور عمل می کنند.

این شمول دوگانه، نشان دهنده تحول حقوق بشردوستانه بین المللی به سمت یک رویکرد جامع تر است که هدف آن نه تنها کاهش خسارات انسانی، بلکه حفاظت از محیط زیست به عنوان بخشی اساسی از صلح پایدار است. از منظر تحلیلی، اجرای این معاهدات در مخاصمات غیر بین المللی چالش های قابل توجهی دارد، از جمله مشکلات مربوط به شناسایی بازیگران غیردولتی به عنوان طرف های متعهد به این معاهدات و نظارت بر اجرای تعهدات آن ها. با این حال، پذیرش اصول این معاهدات توسط حقوق بین الملل عرفی، گامی مثبت در جهت حمایت از محیط زیست و محدود کردن استفاده از ابزارهای مخرب زیست محیطی در تمامی اشکال مخاصمات مسلحانه محسوب می شوند. می توان گفت که گسترش شمول این معاهدات به هر دو نوع مخاصمه، پاسخی به نیازهای جدید نظام بین الملل برای حفاظت از محیط زیست در برابر تهدیدات نظامی بوده و نشان دهنده یک پیشرفت مهم در تحقق اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین المللی است.

۵-۲-۳- به موجب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

جزء (چهارم) از قسمت (ب) بند دوم ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، اقدام به حمله ای را که با علم به آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست انجام شود، به عنوان جنایت جنگی در مخاصمات مسلحانه بین المللی تعریف کرده است. این جنایت تنها زمانی احراز می شود که آسیب به طور واضح بیش از مزیت نظامی مستقیم و مشخص حمله باشد (Bothe, 2010). به این ترتیب، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، امکان تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایات جنگی زیست محیطی را فراهم کرده است. با این حال، تاکنون هیچ پرونده ای در این زمینه به دیوان ارجاع نشده است.^{۵۱}

۵۱- در این راستا می توان به عدم عضویت دولتهایی که دارای فناوری و وسایل تولید سلاح های مخرب محیط زیست هستند و یا عدم توجه و مهجور نگاه داشتن محیط زیست درباره جنایات تحت صلاحیت رسیدگی توسط دیوان کیفری بین المللی وفق ماده ۵ اساسنامه رم ۱۹۹۸ میلادی را نیز در نظر داشت

بسیاری از مفاد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌طور مستقیم به حمایت از محیط زیست پرداخته‌اند. اصول کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه نظیر تفکیک، ضرورت نظامی، بشردوستی و تناسب (عسگری، ۱۴۰۲، ۴۳)، به‌طور غیرمستقیم از محیط زیست حمایت می‌کنند. برای مثال، ممنوعیت استفاده از برخی تسلیحات که احتمالاً موجب آسیب جدی و طولانی‌مدت به محیط زیست می‌شوند^{۵۲}، به‌عنوان نوعی حمایت غیرمستقیم از محیط زیست در نظر گرفته می‌شود.^{۵۳} محدود کردن توسعه و استفاده از این تسلیحات نیز می‌تواند به‌طور غیرمستقیم به حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه کمک کند.

بررسی مقررات مربوطه نشان‌دهنده وجود برخی چالش‌های اساسی در چهارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. مهم‌ترین این چالش‌ها، ابهام و سخت‌گیری بیش‌ازحد در تعریف آسیب زیست‌محیطی غیرمجاز در پروتکل الحاقی اول است. معیار «گسترده یا بلندمدت یا شدید» بودن آسیب، مبهم بوده و در عمل تحقق آن دشوار است (Bruch, 2000, 43).^{۵۴} برای رفع این نقاط ضعف، لازم است معیارهایی واقعی و قابل قبول در سطح جهانی برای تعریف آسیب زیست‌محیطی شناسایی شود. این اقدام می‌تواند تمرکز حق بر محیط زیست در مخاصمات مسلحانه را از ارائه شواهد به سمت تطبیق قوانین با واقعیات سوق دهد (Schmitt, 2000, 134).

در چهارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، محیط‌زیست به‌عنوان قربانی که باید از آن محافظت شود^{۵۵} یا به‌عنوان ابزار یا سلاح^{۵۶} تلقی می‌شود. با این حال، این حفاظت عمدتاً از منظر انسان‌محور و با تأکید بر سلامت و بقای جمعیت انسانی صورت می‌گیرد. این نگرش انسان‌محور بر تأثیرات زیست‌محیطی بر رفاه انسان مانند تأمین غذا، آب، سوخت، پوشاک، پناهگاه و کیفیت کلی زندگی متمرکز است. در مقابل، رویکردی غیرابزاری نیز وجود دارد که به ارزش ذاتی محیط‌زیست، بدون توجه به استفاده‌های

۵۲- مانند تسلیحات شیمیایی یا هسته‌ای

۵۳- The Environment and International Humanitarian Law, 2020

۵۴- شایان ذکر است که در برخی موارد کنوانسیون انمود به‌جای «و» عطف از «یا» استفاده کرده است. منطق تنظیم‌کنندگان این سند، آن بوده است که هر معیاری موجب مسئول قلمداد شدن عاملان ضرررسان به محیط زیست می‌شود. اما اگر از «و» میان هریک از معیارها استفاده می‌شد، آن‌گاه تمامی معیارها برای شناخت یک عمل به‌عنوان فعل یا ترک فعل برای مسئول شناختن فاعل ملاک عمل است. اما استفاده از «یا» موجب می‌شود تا هریک جداگانه ملاک عمل قرار گیرند.

۵۵- مانند پروتکل الحاقی نخست

۵۶- کنوانسیون دستکاری محیط زیست

انسانی، تأکید می کند. حقوق بشردوستانه بین المللی به نظر می رسد رویکردی مختلط را اتخاذ کرده است؛ به گونه ای که بند سوم ماده ۳۵ ارزش ذاتی محیط زیست را مدنظر دارد، در حالی که ماده ۵۵ رویکردی انسان محور را منعکس می کند. هرچند این چهارچوب محیط زیست را به عنوان یک حق یا شخصیت حقوقی به رسمیت نمی شناسد، به عبارتی، محیط زیست محوریت ندارد (محیط زیست محور نبودن) ^{۵۷}. چرا که ارزش محیط زیست هم سنگ با انسان نیست. اما طبق اصول و مقررات الهی و قراردادی، ضرورت حفاظت از محیط زیست و انتقال آن به نسل های آینده تأکید دارد که می تواند در تقویت حق بر محیط زیست سالم مؤثر باشد.

۳- حمایت های حقوقی از محیط زیست در درگیری های مسلحانه

در تاریخ سیزدهم اکتبر ۲۰۲۱ میلادی، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به صراحت اعلام کرد که بهره مندی از تمامی حقوق بشر تحت تأثیر بحران های زیست محیطی، تغییرات آب و هوایی و از دست رفتن تنوع زیستی قرار دارد. این سند تصریح می کند که حقوق بشر با محیط زیست در ارتباط تنگاتنگی قرار دارند و حفاظت از محیط زیست به تحقق حقوقی مانند حق زندگی، برخورداری از بالاترین استاندارد سلامت جسمی و روانی، سطح معیشتی مناسب، دسترسی به غذا، مسکن، آب آشامیدنی سالم و بهداشت و مشارکت در زندگی فرهنگی برای نسل های حاضر و آینده کمک می کند. اگرچه این سند یک سند الزام آور نیست که به طور مستقیم منجر به اقدامات اجرایی و نظارتی در سطح ملی شود، اما نقطه عطفی به شمار می رود. این تأیید که همه افراد حق دارند در محیطی امن، سالم و پایدار زندگی کنند، پیامی قدرتمند است که به منزله نقطه عطفی در تلاش های جهانی برای حفظ محیط زیست و حقوق بشر محسوب می شود (Tigre, 2021).

در سال ۲۰۲۲ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز قطعنامه ای تصویب کرد که حق «زندگی در محیطی پاک، سالم و پایدار» را به رسمیت شناخت. اگرچه پیشرفت های حقوقی و نظری قابل توجهی در زمینه حقوق بشر و مسائل زیست محیطی صورت گرفته است ^{۵۸}، دو مشکل مرتبط در مسیر بهره مندی از

۵۷- Eco-Centric

۵۸- اعم از سبزگردانی حقوق موجود یا تأیید حق مستقل برای محیط زیست سالم

حقوق بشر برای حفاظت مؤثر از محیط زیست وجود دارد. اولین مشکل، به وضوح، مسئله اجرای این حقوق است که همواره در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و کل نظام حقوق بین‌الملل وجود دارد. بخش عمده‌ای از این مشکل به یافتن یک اجماع بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر باز می‌گردد که بدون تأخیرهای سیاسی و یا از سرگیری پرونده‌های حساس و جنجالی، بتواند پرونده‌های حقوق بشری را بشنود. اکثراً بسیاری از روندهای قضایی و بین‌المللی می‌توانند در این مسیر موانعی را ایجاد کنند.

در اغلب موارد، دادگاه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تنها زمانی به یک پرونده رسیدگی می‌کنند که همه راه‌های قضایی داخلی پیش‌تر طی شده باشد، مگر آن که این مسیرها وجود نداشته باشند یا پیگیری آن‌ها بی‌فایده باشد. این شرط می‌تواند بهانه‌ای برای نپذیرفتن پرونده‌های حساس سیاسی شود. نمونه‌ای روشن از این وضعیت، رد شکایت شانزده کودک از کشورهای مختلف توسط کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد است. این کودکان پنج کشور را به نقض حقوقشان به دلیل بی‌توجهی به بحران تغییرات اقلیمی متهم کردند. آنان استدلال کردند که طی روندهای حقوقی داخلی در هر کشور سال‌ها زمان می‌برد و این تأخیر ممکن است منجر به خسارات زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر شود. با این حال، کمیته به دلیل طی‌نشدن راه‌های داخلی، شکایت را نپذیرفت و نگرانی‌ها درباره تأخیرها را بی‌اساس دانست. این تصمیم، به‌ویژه با توجه به پیچیدگی و فرامرزی بودن پرونده، رویکردی غیرواقع‌بینانه به نظر می‌رسد.

مشکل دوم و مرتبط، مشکل کندی و ایستادگی است. در پرونده‌های مربوط به آسیب‌های زیست‌محیطی، علاوه بر یافتن شاک‌ی که توانایی تحمل سال‌ها طی کردن روند قضایی را داشته باشد، باید فردی پیدا شود که حقوق او به‌طور مستقیم^{۵۹} تحت تأثیر قرار گرفته باشد. این ممکن است چندان ساده نباشد، به‌ویژه در مواردی که تخریب محیط زیست به تدریج و با گذشت سال‌ها، دهه‌ها یا حتی نسل‌ها آشکار می‌شود. همان‌طور که در مورد تغییرات آب و هوایی مشاهده شده، این روند آهسته می‌تواند یافتن شواهد قانع‌کننده برای مقامات سیاسی یا قضایی جهت ضرورت اقدام فوری را دشوار کند. این مسئله به‌خصوص در شرایطی که نگرانی‌های کوتاه‌مدت یا میان‌مدت از توسعه اقتصادی غالباً توسط سیاست‌های دولتی و منافع شرکت‌ها اولویت داده می‌شوند، مشکل‌آفرین است. با اشاره به زبان اعلامیه ریو، در مواجهه با شواهد فزاینده از پیامدهای تخریب محیط زیست ناشی از فعالیت‌های اقتصادی انسانی، این اعلامیه به

وضوح مشخص می کند که بهره برداری از محیط طبیعی برای منابع طبیعی همچنان حق حاکمیتی دولت ها است، بدون فراهم آوردن سازوکار برای جبران خسارات در صورت عدم پابندی به وعده آن ها به حفظ این بهره برداری به صورت پایدار.

درباره حقوق بین الملل بشردوستانه، سیاست بین المللی هنوز راه طولانی برای به رسمیت شناختن و حفاظت مؤثر از رفاه کل زیست بوم ها در شرایط درگیری های مسلحانه دارد. اگرچه حقوق بین الملل بشردوستانه به طور عمده انسان محور است و اغلب از حفاظت از طبیعت غافل می شود، برخی اصول می توانند حمایت حداقلی را در مواقع درگیری ارائه دهند: عرف، اصول کلی و معاهدات. هر چند حقوق بین الملل بشردوستانه به نحوی ترکیبی عمل می کند، به گونه ای که بند سوم ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول بدون هیچ ارتباط انسان محوری عمل می کند درحالی که ماده ۵۵ دارای چنین پیوندهایی است، اما نتیجه مشابه است، یعنی این که حقوق بین الملل بشردوستانه نیز انسان محور است. علاوه بر این، آستانه اعمال بند سوم ماده های ۳۵ و ۵۵ بسیار بالا است، بنابراین دستیابی به آن دشوار است.

به طور کلی، محیط زیست معمولاً قربانی خاموش جنگ ها است. حقوق بشردوستانه بین المللی حفاظت هایی برای طبیعت بر اساس عرف ارائه می دهد. حفاظت گسترده از محیط زیست می تواند از حمایت عمومی از غیرنظامیان و اموال استنباط شود. این امر بر اساس اصل اولیه محدود کردن فعالیت های مسلحانه توسط دولت ها است که هدف آن تنها تضعیف نیروهای نظامی دشمن است. در اعلامیه های استکهلم ۱۹۷۲ میلادی و ریو ۱۹۹۲ میلادی، ضمن این که حق حاکمیت دولت ها را بر منابع طبیعی خود ذکر می کند ولی احاله می دهد که دولت ها نباید به محیط زیست خارج حیطه صلاحیت و نظارت خود آسیب برسانند. بدیهی است که سازوکار جبران خسارت باید از طریق محاکم قضایی بین المللی و منطقه ای صورت گیرد و کشور آسیب دیده از این طریق میزان خسارتش را به دست آورد.

درباره رویکرد حقوق بشر، حقوق بشر ذاتاً انسان محور است، بنابراین حق زندگی در محیط پاک، سالم و پایدار باید انسان محور باشد. محیط زیست در چهارچوب حقوق بشر حفاظت می شود اما خود شخصیت حقوقی ندارد.^{۶۰} برای تغییر این وضعیت باید درباره حقوق محیط زیست و یا شخصیتی بودن آن

۶۰- شایان ذکر است که دانشگاه آکسفورد در انگلستان دست به اقدامی برای تعالی علم حقوق در تمامی زمینه ها زده است که پیش تر در تمامی علوم انسانی با انتشار مجموعه مختصر و مفید (A Very Short Introduction) هر علم مانند مختصر و مفید

صحبث کرد که فراتر از این پژوهش است. قطعنامه‌های شورای حقوق بشر و سپس مجمع عمومی سازمان ملل متحد دلایلی برای امیدواری محتاطانه در این زمینه فراهم می‌کنند. این قطعنامه‌ها ابزاری در اختیار فعالان قرار می‌دهند که می‌توانند از آن‌ها در دعاوی استفاده کنند. همچنین می‌توانند موجب تدوین قوانین جدید در سطوح ملی و منطقه‌ای شوند. هرچند این قطعنامه‌ها حقوق نرم‌افزاری را تشکیل می‌دهند، اما تأثیر خود را بر حقوق بین‌الملل الزام‌آور از داخل می‌گذارند، به عبارت دیگر در فرایندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی و ملی مؤثر هستند. رویکرد حقوق بشر پیشرفته‌تر بوده و حفاظت بهتری از محیط زیست ارائه می‌دهد، هرچند که هنوز انسان‌محور است.

نتیجه

محیط زیست در مخاصمات مسلحانه قربانی خاموشی است که توجه کافی به آن نمی‌شود. جنگ روسیه و اوکراین نمونه‌ای از پیامدهای زیست‌محیطی چون آلودگی و تشعشعات هسته‌ای است. حقوق بین‌الملل بشر بیشتر بر تأثیرات زیست‌محیطی بر انسان متمرکز است، نه خود محیط زیست. در مقابل، حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان جنگ حمایت‌هایی برای محیط زیست در نظر دارد، اما این حمایت‌ها محدود و ناکافی‌اند. با وجود تلاش‌ها برای شناسایی حق بر محیط زیست سالم، نبود سازوکارهای اجرایی مؤثر مانع تحقق این حق شده است. تقویت تعهدات الزام‌آور و شناسایی حقوق مستقل زیست‌محیطی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در چهارچوب قواعد بین‌المللی به تنظیم رفتار طرف‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد، به‌طور ویژه بر حفاظت از محیط زیست طبیعی در زمان جنگ تأکید دارد. این شاخه از حقوق، با توجه به تحول و تغییرات روش‌های جنگی نوین که اغلب منجر به تخریب محیط زیست می‌شود، اهمیت روزافزونی یافته است. استفاده از تکنیک‌های دستکاری محیط زیست که

حقوق بین‌الملل (A Very Short Introduction to: International Law) به قلم آلن ووگن لو حقوقدان برجسته انگلیسی نیز در دو دهه نخست قرن بیست و یکم میلادی مشاهده شده است. در دهه بیستم قرن بیستم و یکم میلادی نیز این دانشگاه به تعریف و بازتعریف برخی مقوله‌های مختلف حقوقی دست یازیده است. در این کلان‌پروژه، تحت عنوان روندهای نوین علم در حقوق (New Trajectories in Law)، خانم فرانسین راجفورد به شخصیت زیست‌محیطی (Environmental Personhood) پرداخته و برای محیط زیست شخصیت جداگانه‌ای را تعریف کرده است

می توانند به صورت عمدی یا غیر عمدی به آسیب های زیست محیطی منجر شوند، از جمله چالش هایی هستند که نیازمند توجه ویژه از سوی جامعه بین المللی است.

یکی از مهم ترین معاهدات بین المللی در این زمینه، کنوانسیون منع استفاده نظامی یا هر گونه کاربرد خصمانه از تکنیک های دستکاری محیط زیست است که در سال ۱۹۷۶ میلادی تدوین شده است. این کنوانسیون بر اساس اصول حقوق بین الملل بشردوستانه، به ویژه در ارتباط با حفاظت از محیط زیست، تلاش می کند تا از بهره برداری های نظامی یا خصمانه از ابزارهایی که می توانند به محیط زیست آسیب جدی وارد کنند، جلوگیری کند. این قواعد، ضمن تصریح بر ممنوعیت تخریب عمدی و گسترده محیط زیست، شامل اصولی هستند که به ارزیابی اثرات این تکنیک ها بر محیط زیست پرداخته و تنها مواردی که تأثیرات منفی شدید و طولانی مدت دارند را تحت شمول قرار می دهند.

دستورالعمل های جدیدتر، همچون دستورالعمل های بازبینی شده کمیته بین المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۲۰ میلادی، تلاش دارند تا به چالش های نوظهور در حوزه محیط زیست و مداخلات مسلحانه پاسخ دهند. این تلاش ها نشان دهنده تعهد جامعه بین المللی به تقویت چهارچوب های حقوقی موجود و تضمین حفاظت مؤثر از محیط زیست در دوران جنگ است. هرچند این قواعد و معاهدات تلاش می کنند تا آثار مخرب محیط زیستی را به حداقل برسانند، اما اجرای عملی آن ها با چالش هایی جدی همچون تعیین گستردگی و شدت خسارات محیطی و همچنین ضمانت های اجرایی ناکافی مواجه است. لذا تقویت این اصول و افزایش همکاری بین المللی برای اجرای بهتر آن ها، ضروری به نظر می رسد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- عباسی، بیژن، ۱۴۰۱، **حقوق همبستگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.

- عسگری، امیرحسین، ۱۴۰۲، حمله به کارکنان امداد بشردوستانه به عنوان جنایت جنگی با تأکید بر ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- موسوی، سیدفضل‌الله، ۱۳۹۱، **سیر تحول در منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

لاتین

کتاب

- Bruch, C. E., 2000, Existing and emerging wartime standards. Introduction. In J. E. Austin & C. E. Bruch (Eds.), *The Environmental Consequences of War: Legal, Economic, and Scientific Perspectives*. Cambridge University Press.
- Dam-de Jong, D., 2015, *International Law and Governance of Natural Resources in Conflict and Post-Conflict Situations*. Cambridge University Press.
- Dinstein, Y., 2004, *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflicts*. Cambridge University Press.
- Hulme, K., 2007, Natural Environment. In E. Wilmshurst & S. Breau (Eds.), *Perspectives on the ICRC Study on Customary International Humanitarian Law*. Cambridge University Press.
- Schmitt, M. N., 2000, War and the environment: Fault lines in the prescriptive landscape. In J. E. Austin & C. E. Bruch (Eds.), *The Environmental Consequences of War: Legal, Economic, and Scientific Perspectives*. Cambridge University Press.

مقاله

- Abi-Saab, R., 1987, The “General Principles” of humanitarian law according to the International Court of Justice. *International Review of the Red Cross*, 259.
- Bothe, M., Bruch, C., Diamond, J., & Jensen, D., 2010, International law protecting the environment during armed conflict: gaps and opportunities. *International Review of the Red Cross*, 92 (879).
- Knox, J. H., 2020, Constructing the human right to a healthy environment. *Annual Review of Law and Social Science*, 16.
- Szpak, A., Bar, M., Kemp, E., 2024, Protection of the Environment–International Human Rights and International Humanitarian Law Perspectives. *Torun International Studies*, 1 (19).
- Tignino, M., Kebebew, T., & Pellaton, C., 2023, International law and accountability for

the Nova Kakhovka Dam disaster.

- Wyatt, J., 2010, Law-making at the intersection of international environmental, humanitarian and criminal law: the issue of damage to the environment in international armed conflict. *International Review of the Red Cross*, 92 (872).

گزارش

- Brundtland, G. H., 1987, Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future. United Nations General Assembly, A/42/427.
- Human Rights Committee., 2016, Comm. No.2751/2016, Portillo Caceres v Paraguay, UN Doc CCPR/C/126/D/2751/2016.
- Human Rights Committee., 2018, General Comment 36, UN Doc. No.CCPR/C/GC/36.
- International Committee of the Red Cross., 1977, Additional Protocol I to the Geneva Conventions.
- Knox, J. H., 2018, Report of the Special Rapporteur on Human Rights and the Environment: Children's Rights. UN Human Rights Council, A/HRC/37/58.
- Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons., 1993, Chemical Weapons Convention.
- Protocol III on Incendiary Weapons to the Conventional Weapons Convention, 1980.
- UNCRC., 2019, Comm. No. 104/2019, Sacchi et al. v. Argentina et al., UN Doc CRC/C/88/D/104/2019.
- UNESCO., 1999, Declaration of Bizkaia on the Right to the Environment.
- United Nations Environment Programme., 2009, Protecting the Environment During Armed Conflict: An Inventory and Analysis.
- United Nations Human Rights Council., 2012, Res. 19/10, Human rights and the environment.
- United Nations Human Rights Council., 2021, Res. 48/13, The human right to a clean, healthy and sustainable environment.
- United Nations Human Rights Council., 2021, Res. A/HRC/48/L.23/rev.1.
- United Nations, 1973, Report of the United Nations Conference on the Human Environment, Stockholm, 5-16 June 1972. UN Doc. A/CONF.48/14/Rev.1. New York: United Nations.
- United Nations., 1972, Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment.
- United Nations., 1976, Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques.
- United Nations., 1982, World Charter for Nature, General Assembly resolution 37/7.

- United Nations., 1992, Rio Declaration on Environment and Development.
- United Nations., 2007, Declaration of the Rights of Indigenous Peoples.
- United Nations., 2022, General Assembly declares access to clean and healthy environment a universal human right.

پرونده

- Fadeyeva v. Russia, 55723/00, Eur.Ct.H.R., 2005.
- Hungary v. Slovakia (Gabcikovo-Nagymaros Project), ICJ, 1997.
- ICJ., 1996, Advisory opinion on the legality of the use or threat of using nuclear weapons.
- Lopez Ostra v. Spain, 16798/90, Eur.Ct.H.R., 1994.
- Maya Indigenous Community of the Toledo District v. Belize, Inter-American Court of Human Rights, 2004.
- Mayagna (Sumo) Awas Tingni Community v. Nicaragua, Inter-American Court of Human Rights, 2001.
- Ministry of Ecology and Natural Resources of Ukraine., 2022, Briefing on the environmental damage caused by Russia's war of aggression.
- Oneryildiz v. Turkey, 48939/99, Eur.Ct.H.R., 2004.
- Saramaka People v. Suriname, Inter-American Court of Human Rights, 2007.
- Taskin v. Turkey, 46117/99, Eur.Ct.H.R., 2004.

اخبار

- Farrer, M., 2022, US accuses Russia of weaponising food in Ukraine crisis and holding global supplies hostage. The Guardian. accessed January 20, 2025.
- Konrad-Adenauer-Stiftung (KAS), 2024. KAS-IOE Launch of the "Playbook 2.0: Creating Synergies Between United Nations Resident Coordinators and Employers for Sustainable Impact".
- Tigre, M. A., 2021, Historic Breakthrough for Environmental Justice: The UNHRC Recognizes the Right to a Healthy Environment as a Human Right. accessed January 28, 2025.
- Titze, F., 2021, The nature-security nexus and the UN Security Council. accessed February 10, 2025.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani

A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari

Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi

Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi

Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri

Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi

Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali

Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi

Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami

The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh

Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New
Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari

A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar

Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi

Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi

Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari

A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars

Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi

Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoob Taheri, Hosein Zarei

International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard

Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuj Alvar, Mohammadali Jahani

Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi

Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa

Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi

The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari

Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami

Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi